

### قحطی بزرگ ایران همزمان با پایان جنگ بکم جهانی چگونه نبود نهاد های خیریه مردمی در تهران احساس شد

قحطی سراسری سال های ۱۲۹۶ تا ۱۲۹۸ خورشیدی که در زمان احمدشاه قاجار و همزمان با پایان جنگ بکم جهانی در ایران آغاز شد، به روایت تاریخ نگاران از نظر شدت و گستردگی، دومین قحطی ایران در سده های سیزدهم و چهارم هجری به شمار می آید. درباره چگونگی بروز این قحطی عوامل گوناگون بود. توجه قرار گرفته و مبروری شده است از خشکسالی و کمبود بارش تا هجوم کشاورهای خارجی و غارت منابع بهایران. هرچه در مصادیق ناسر ایران در وضعیت خنثی قرار گرفت و کشاوری تقریباً فلج شد. جغرافیای اما عوامل طبیعی و اقلیمی را در بروز این خشکسالی مولوی می داند. «هر چند سال بکمتر بقی قحطی می آمد و تنها از مردم که زمستانی کالماز زمستان نشسته با حائل در طهران و اطراف آن نشسته باشند که فوراً از برای باری و معینند درباری که همه صاحب هات و قزاق و قصاصات سوار و مالک دارانی بی حساب برزاعت بودند. محصول خود را اینتاهان نموده از دسترس مردم بر داشته که لا به چند لافروتن بر سر بسته و روری این حساب هر چند سال قحطی قحطی را بر بانی بکرد مردم گشته عده بی ستیزی را از گرسنگی تلف شده رهسار باد عده می گردیدند. از جمله بقی قحطی سال های ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ قمری بود که در آن نزدیک به دو سوم مردم تهران مریدند، گاه و بجا به بوستان همدونه، خریز و زور گذر خت و بوست خیک و ملخ چون حیوانات و حتی گوسفند خریز و بیلوبوسگ و گربه می خوردند.»

کمک به مردم صورت نمی گرفت آن نهادها یا جود نداشتند یا دستور تلاش هایمان به گونه ای نبود که اثری بر برگ در مدارک و کتابهای تاریخی بر جای بگذارد. حضور داوطلبانه و متفرد مردم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. روایت جعفر شهری را بگوشا می شد که ناگزیر دست نیوانی می گرفتند و وقتی خویشان و همسایگان شان از گرسنگی می مردند بویا نمی شناسند و مردم گاری بی کفنی روزی من می ماند. آن گاه که جعفر شهری روایت می کند، این قحطی دو امر عجیب واقع شد؛ یکی این که با شنیده شد که مردم بندگان را درمده حتی فرزندان خود را می خوردند. و هنوز مستحکمین حاضر به گشودن در انبارهای ارزاق خود و فروش آنها نمی شناسند و دیگر در آن زمان حتی ترابو از گرسنگی مریدند. از آغاز قحطی نه تنها چشمه های آبی روشن پیش روی مردم قرار نداشت، که هر چه می گشت به روایت حال لایس کانگول وزیر مختار آمریکا در ایران اوضاع قحطی بدتر می نامی تا شمل غرب ایران گرسنه می زد. روزنامه عدل ۲۱ شهریور ۱۳۹۶ خورشیدی بارها از اختلال شهرتاری گرسنگی و سرما در خیابان های تهران در یک هفته گزارش می دهد. این مسئله در روزنامه خاطرات ایران گزارش می دهد. در آن روز نشت به دیوار ایستاده بودند، یکی آن دکا، دو نفر نشت به دیوار ایستاده بودند. یکی از آنها بپرزنی بود. جعفر افغانه و دیگری زنی جوان و بلند قامت، بپرزنی که صورتش باز بود. کمک گلفنی در دست داشت. بر گنات گفتی اقای من این دختر بدخترم. رحم کنید یک چاک را که این دختر خردمند و به ما می داند. منی است که هیچ کمک نغوا ندرماید و نزدیک است از گرسنگی هلاک شوم. ... یک چاک دردمیت خردمند کهانه آنها ریختم. همان گداوند که اخرون شدند و بطوری سریع از آن کار انجام دادند که من خودم خود را در بره وضع آنها تمام کردم. دیدم که دیدم که میخواست اتمام گرفتند. گرسنگی بر سر شد. یک چاک دیگر بخارن بریزم. گفتم آبی بخرید و مرحمت کنید. خاندانه به پشمه خیر بدهم. میانه راز اسر او عیالان بکویند».

### جلوه های زیبای جوانمردی در فرهنگ بدیاز

## وقف کوزه برای دل های شکسته کودکان

محمدجواد عرفان فر | نویسنده و پژوهشگر فرهنگ بدیاز



کعبه آستان قدس

برابر این کاستی، جوانمردانی زیاد در خود جای داده است. تاریخ این را به روشنی تأیید می کند. در بررسی منتهای فرهنگنامه های استان بزه به موردی جالب و گفتنی است که در طالعیت نگاه واقع به موضوعات انسانی بر می خوردیم که هر خورشیدی را از طرف اندیشه دیگری آیه او به حیرت می آورد. در دو وقته مبروط به به بهرستان های بزه و نعت، افزای تیکوکار، کوره وقف کرده اند. اینگونه وقف به منظور اسناد است. کمک به اطفال و کمک به اطفال محموله خود را از شکسته با کمک به این صورت برای آن که با شکست مواجهه و مبالغه با مسامحه بهر و مخدوم خویش با بهر نشوند، با ایجاد نهادهای وقفی می شود. عوض از برای بگرد. یکی از واقفان بزه در وقته نامه جامع الخیرات که به موقوفه سید مرتضی مرطوب می شود و تاریخ تنظیم آن به سال ۱۲۹۶ قمری بازمی گردد، اینگونه

کارزای خود را در عرصه عمل اجتماعی نشان داده است. بخشی عیمان و قابل اعتنا از امور خیریه ای که مردم بر اساس ایمان به انجم آن همت کرده اند، در قالب وقف پذیر شده است. این شیوه تیکوکاری در عرصه های گوناگون کاربرد داشته و در همه زوایای زندگی اجتماعی نقش آورده است. مصارف موقوفات نیز در عین زیبایی و طرافت، روحیه انسانی لطیف و سودانی واقفان تیکوکار را بیسان می کند که علاوه و شکوه جوانمردی و علو روح پاری گرو و تعاون آنان هر استانی را بوجود می آورد. نسوی در نظر داشتن نیه ازای روز جامعه، دوراندیشی و نیت والا و اندیشه متعالی و درک بالای واقفان در منتهای وقته نامه های مدعا را شهادت خواهد داد. این کوزه را بگریز تا لکت بر دیدگانت نیاید، بزد، سزیمینی است که آب کیم دارد در

کازای خود را در عرصه عمل اجتماعی نشان داده است. بخشی عیمان و قابل اعتنا از امور خیریه ای که مردم بر اساس ایمان به انجم آن همت کرده اند، در قالب وقف پذیر شده است. این شیوه تیکوکاری در عرصه های گوناگون کاربرد داشته و در همه زوایای زندگی اجتماعی نقش آورده است. مصارف موقوفات نیز در عین زیبایی و طرافت، روحیه انسانی لطیف و سودانی واقفان تیکوکار را بیسان می کند که علاوه و شکوه جوانمردی و علو روح پاری گرو و تعاون آنان هر استانی را بوجود می آورد. نسوی در نظر داشتن نیه ازای روز جامعه، دوراندیشی و نیت والا و اندیشه متعالی و درک بالای واقفان در منتهای وقته نامه های مدعا را شهادت خواهد داد. این کوزه را بگریز تا لکت بر دیدگانت نیاید، بزد، سزیمینی است که آب کیم دارد در

**تکيه گوشه باکلياي است در زير آسمان يابوغي است رنگاره در محلي خج که شخصي تنها ياد صاحب ديگران باغ يرفي سخنگي به آنچه مي روند تا وقت را باکشين چين قايمان نوشين بگذرانند از ان تكيه هادر معابر عمومي ديده مي شود. معراج ساختن ان تكيه ها نداشت**

### یاری گری در کاشت و برداشت گندم در جنوب شرق ایران بوی گندم، عطر نعمت و همیاری

کاشت، داشت و برداشت گندم، این محصول مقدس و مبارک در بیشتر فرهنگها از جمله در سزیمین ایرک از اهمیت ویژه برخوردار است. کشاورزان در مراحل مختلف کار خود از همیاری و همیاری همیاری بهره می برند. ترتیب ترتیب دستیابی به محصول را از گونه های همیاری و باری گری و شیوه های آسان تر می سازند. گونه های همیاری در میان کشاورزان و زوج گان گندم در استان کرمان دیده می شود. گندم با بوی گندم در میچه است. مطالب و شگرتی از سده ها و مطبی بر زبان جاری ریختن اسبند راهاده بودم. چند تن از اهالی روستا در این مراسم به کمک گری می دهند. هر مراحل مختلف کاشت و برداشت گندم همکاری کنند. این شیوه از احساس منوی بر کشاورزان گویی پیوند آنها برای باری بکندیگر که برداشت محصول و تخم منوی مصلحی می شود. همیاری بر مینما که با بوی گندم در میچه است. مطالب و شگرتی از سده ها و مطبی بر زبان جاری می شود. همیاری از مذهب خداوند است. این گیم بر کمک همیشگی به غلبت، زمین و این محملات، باعث برادر و برادر همیاری می شود. هر چه شرم در محسود لغت (خدا)، اوستای (نسلامت) بد، دل خوشی بده، اوستای (سوستای) بد، در این خفه همچنین در فصل روز بی



### ایران، سال ۱۲۹۶ خورشیدی: آشیان روبه تباهی می رفت! دم پختگی که در قحطی عظیم ایران پخته شد

آتمه ابراهیمی | تاریخ نویس

خبره به نام کمیشه مرکزی صدقات برای فقیران شهر تهران اقداماتی انجام داد. اقدامات آنها در این موارد خلاصه می شد: اختصاص باغ اعتماد حضور با مجیزات برای اقامت فقیران، بانی دیگر برای زنان و کودکان تهیدست، پناه دادن به هزار نفر و ساخت حمام برای آنها و تأمین لباس گرمی و جیره روزانه، درمان بیماران و نگهداری از زنان باردار و تأمین شیر برای کودکان، تأسیس یک بیمارستان و سرانجام ایجاد کارخانه ای قالی بانی برای زنان حیاتی از نوع دوستان در پاییز سال ۱۲۹۶ برای کمک رسانی به فقرا و مجععی به نام مجمع خیریه تهران تأسیس شد. همچنین هیات مصلح خیریه مقیم تهران یک باب دارالمسکین در جنب بازارچه چایران آقا محسن تأسیس کرد و پنجتن فقرای بی دستپا پا را در آنجا مورد



حمایت قرار داد. افزون بر اینها، فعالیت های از سوی افراد خیر و انسان دوست به ویژه همدندان انجام شد. به عنوان مثال عیادت دو تنار به مردم قحطی زده اختصاص داده شد. عیادت یک تنار در بیهم ماه در گرانده هتل تهران، زیر نظارت مجمع آذربایجانی توسط کمیسون خیریه مرکزی به دارالمسکین هدیه شد. دستهای مریدم در شرایطی این چنین به سوی اسام هم بلند بود. در تبریز قاضی قدس کرکی با عده ای به مصلای خارج شهر رفت و برای عسررت و تنگی آذوقه به دعا و مناجات دست برداشتند. شرکت خیریه در مسدان، خیرانه خانستان را برای حل مشکل کار مردم اختصاص داد. عده ای به دلیل وضع غریز ارتزاق در دستن به خیر جمهوم برسد. جمعی از

اما خاطر تلخ آن سال در یادها ماند.